

فرهنگ اعتراف پسندیده، اما ناکافی!

عبدالله هروی



است، نظام آموزشی و وزارت معارف کشور نیز متأسفانه تا گلو غرق در فساد بوده و به شدت از آن در رنج بسر می برد. در این زمینه می توان به دوسویه ها و ادعاهای متعددی از جمله وجود مکاتب و معلمان خیالی، خویش خوری در سطوح مختلف وزارت معارف، تشیع حقوق معلمان و حیف و میل بودجه ها در ساخت مکاتب از مصادق فساد گسترده در وزارت معارف اند که تا کنون مطرح شده است، اما باید برای مقابله و رفع آن اقدام جدی و قاطع صورت گیرد. مسئله دیگری که در ادامه بر آن تاکید می گردد این است که متأسفانه از آغاز تاکنون نگاه کمی به نظام آموزشی کشور پیامد های بسیار نامطلوبی را برای نهاده است و مانع از آن شده است که بصورت بنیادی روند رو به رشد خود را طی نماید. برپایه پیش از اندازه به کمیت نظام آموزشی سبب گردیده است که از کیفیت آموزش و تدریس غافل گردیده و در نهایت نسلی که سال ها در نظام های موجود آموزش کشور تربیت شده اند، در نهایت بدون توانمندی علمی کافی و یا مهارت لازم و نیز فاقد کارآمدی مورد انتظار از مراکز علمی و آموزشی ابتدایی و عالی بیرون آمده و وارد جامعه شوند. این مسئله سبب گردیده است که آنان در فضای جامعه نیز موقعیت و شغل مناسب و در خور خود را بدست نیاورند. هم چنین ورود آنان در ساختار و تشکیلات اداری نیز سبب شده است که دستگاه اداری نیز روند رو به توسعه و رشد را نداشته باشد.

حال انتظار جدی برده می شود که با استفاده از تجارب پیش از یک دهه در عرصه دولتی و به ویژه در عرصه تعلیم و تربیه و نظام آموزشی و نیز بای برجا بودن استقبال عمومی و هم چنین بوجود آمدن شکل گیری اراده سیاسی در حکومت برای اصلاح نظام آموزشی و به بهبود بخشیدن به وضعیت معلمان و استادان این بستر فراهم گردیده است که به قول رئیس جمهور گام های اساسی برای ایجاد زیرساخت های قوی آموزشی و پرورشی مطابق به نیازمندی های نوسن جامعه و هم خان با معیار های جهانی برارشته شود و تحولات بدان سوی سوق داده شود.

باز یافته است. حال این امر مثبت یا در اثر تلاش مقام های وزارت معارف بوده است یا اهتمام و نگرش شخص رئیس جمهور؛ در هر دو صورت چنین توجیهی به وضعیت معارف کشور و نظام آموزشی یک اقدام نیک و امیدوار کننده است. متأسفانه در سال های گذشته نه تنها مقام های ارشد معارف بخصوص رئیس جمهور و حتا وزیر معارف هیچ توجه و اهتمامی برای رشد معارف و اصلاح نظام آموزشی نداشته اند. توجه و اهتمام آنان در حد شعار و توصیه های بزرگ منشانه منحصر می گردید. بدین جهت اگر اقدام و اصلاحی در وزارت معارف هم صورت گرفته است از اهتمام و دلسوزی خود اهل معارف و وزارت مربوطه بوده است.

اینک نیز ضمن استقبال از این رویکرد رئیس جمهور نسبت به مسایل بنیادی در نظام آموزشی و وزارت معارف و پیش قدم شدن در ترویج فرهنگ اعتراف به کاستی ها و پذیرش ناکارآمدی ها، تاکید می گردد که این مرحله بخودی خود مثبت بوده اما برای به ثمر رساندن کار و حاصل نتیجه کفایت نسبی است. حال که گام اول برداشته شده است انتظار برده می شود که رئیس جمهور و مقام وزارت معارف و دیگر وزارت خانه های حکومت نیز پیشگام شده

و هم در عرصه اداری و تشکیلاتی مورد نقد قرار داده و خواهان اجرای اصلاحات در آن گردید. وی با توجه به ساختار و عملکرد وزارت معارف، از آن سخت انتقاد نمود گفت که ساختار این وزارت به حل مشکلات معلمان کمک نمی کند. رئیس جمهور تاکید ورزید که پاسخگویی به موقع به مشکلات معلمان، روی کیفیت تدریس در مکاتب تاثیر جدی بر جای خواهد گذاشت. رئیس جمهور در این زمینه افزود که ساختار وزارت معارف باید براساس اهدافی که برای رشد تعلیم و تربیه در کشور طرح شده، تنظیم شود. یکی از راه حل های پیش نهادهی رئیس جمهور در این باره این که تعداد ریاست های وزارت معارف که بر اساس سلیقه ساخته شده بود کاهش چشم گیری یابد. رئیس جمهور به هدر رفتن منابع ملی نیز اشاره کرده افزود که در نتیجه سوء مدیریت ۶۵۰ شورا انکشافی شماری از مکاتب ساخته نشده است.

از واقعیت نباید گذشت که این برای نخستین بار است که رئیس جمهور کشور این گونه دقیق نسبت به وضعیت معارف کشور حداقل اشاره نموده و نقطه ضعف ها و کاستی های آن را خو بر می شمارد. این مسئله نشان می دهد که نظام آموزشی و وزارت معارف برای حکومت جایگاه خود را

رئیس جمهور در مراسم نواختن زنگ مکتب و آغاز سال تحصیلی جدید حضور یافته بود طی سخنانی از اینکه نتوانسته است به وعده های که در سال های گذشته داده بود، عمل نماید عذر خواهی نموده و خود را مشروط دانست. وی در سال ۱۳۹۳ در مراسم گرامیداشت از روز معلم، وعده داده بود که در مدت شش ماه به تمام معلمان نمرات رهاپشی توزیع می کند. وی در آن سخنرانی تاکید ورزیده بود که به همه والی ها و مسئولان محلی هدایت داده می دهد تا در توزیع شهرک ها و نمرات رهاپشی برای معلمان اقدام فوری صورت گرفته و در طی شش ماه از توزیع یک یک نمره زمین به هر معلم به ما اطمینان بدهند. اما با گذشت نزدیک به یک و نیم سال از آن زمان، نه تنها این وعده رئیس جمهور عملی نگردید بلکه وضعیت معارف و به ویژه معلمان در زمینه های ثبات شغلی و وضعیت عمومی نیز بهبود نیافته است. وی در این مورد به صراحت چنین اظهار داشت: نکته اول آن است که از من گلایه دارید و گلایه تان به جای است. گلایه تان این است که یک معلم را رئیس جمهور ساختید اما وضع معلمان به صورت بنیادی تغییر نکرد. من گلایه تان را قبول دارم. از ننگ امتحان، من خود را مشروط می دانم اما امید است که امسال از پیش تان نمره کامیابی بگیرم.

رئیس جمهور در مورد علت و راه حل عدم عملی شدن وعده داده شده نیز اشاره نموده گفت: غصب ملکیت های وزارت معارف توسط دیگر ادارات دولتی و زورمندان نیز باعث شد تا برنامه توزیع نمرات رهاپشی برای معلمان مکتب اجرا نشود. وی برای رفع این مشکل گفت که کمیسیون برای بازگرداندن زمین های مربوط به وزارت معارف ساخته شده و بزود ترین فرصت زمین های غصب شده پس گرفته می شود. نکته حایز اهمیت دیگری که در اظهارات رئیس جمهور در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید وجود داشت این بود که برای نخستین بار در دوره جدید سیاسی رئیس جمهور کشور به ناکارآمد بودن و اصلاح ساختار نظام آموزش کشور و وزارت معارف اشاره و تاکید دارد. رئیس جمهور ساختار نظام آموزشی کشور را هم در زمینه مضامین

موضوع دیگری که این کشورها را به هم پیوند داده، این است که کمک ها و توجه کشورهای توسعه یافته و کمک دهنده به کشورهای مانده و بحران زده و شکننده به صورت دایم نیست. کشورهای جهان در دوره کوتاه به این کشورها کمک می کنند و معمولاً نیز بعد از مدتی تحت تاثیر شرایط جهانی و بحران های جدیدی که به وقوع می پیوندد از حجم کمک و توجه شان می کاهند. لذا این کشورها با انبوهی از مشکلات از جمله وجود دولت های ضعیف، اقتصادی ناتوان و متکی به کمک های خارجی، مردمی بی اعتماد به دولتها، فساد اداری فراگیر، تهدید رو به افزایش امنیتی، و... باقی می ماند.

مورد دیگری که به نظر می رسد این کشورها در آن اشتراک دارند، همسایه های نسبتاً قدرتمند و متجاوز است. اغلب این کشورها در منطقه خود با همسایگانی قدرتمندتر از خود روبرو هستند که به این کشورها به عنوان حیاط خلوت خود می بینند و هیچگاه نمی خواهند تا امنیت و ثبات و توسعه در این کشورها حاکم شود. همسایگان و قدرت های منطقه ای در کنار بحران زده به بزرگترین چالش سیاسی و اقتصادی بدل شده است. قدرت های منطقه ای منافع خود را در بی ثباتی، وابسته و ضعیف بودن کشورهای بحران زده همسایه شان می بینند و با تقویت بحران راه رسیدن به ثبات و توسعه را برای کشورهای بحران زده دورتر و غیر قابل دسترس می سازند.

مهاجرت، بیکاری، فقر، فساد اداری، پایین بودن ظرفیت های انسانی و اقتصادی، قوی بودن و تشدید شکاف های قومی، مذهبی و زبانی، و... از مشترکات این کشورها هستند که آنان را به کشورهای شکننده و بحران زده بدل کرده است.

افغانستان در بسیاری از این تجربه ها با دیگر اعضای گروه «به اضافه هفت» شریک است. از اقتصادی ناتوان، حکومت های ضعیف، همسایگان قدرتمند و فرار گرفتن در معرض بی توجهی جهانی قرار گرفته است. افغانستان در قیاس با بعضی از این کشورها وضعیت سخت تری را دارد.

پیام واضح این کشورها برای جلب توجه کشورهای توسعه یافته و سازمان های جهانی، حکایت از وضعیت جدی آنها دارد. و برگزاری اجلاس این گروه در افغانستان می تواند توجه جهانی به وضع افغانستان را بیشتر کند. افغانستان می تواند، سیاست، برنامه و جایگاه خود را با استفاده از این اجلاس در سطح جهان مجدداً مطرح کند.

محمدرضا هویدا

چهارمین اجلاس وزرای کشورهای گروه «به اضافه هفت» در کابل برگزار شد. این اجلاس برای افغانستان و کشورهای عضو این گروه که اکنون به بیست کشور می رسد، بسیار با اهمیت است. نتایج اجلاس در روز پنجشنبه مشخص خواهد شد، اما هدف اجلاس در حقیقت جلب توجه کشورهای توسعه یافته جهان به این امر است که فراموشی کشورهای بحران زده و شکننده ای مثل افغانستان و دیگر کشورهای عضو گروه به اضافه هفت برای تبعات منفی و زیان باری خواهد داشت.

اولین خصوصیت کشورهای عضو این اجلاس، متکی بودن این کشورها به کمک های خارجی است. اتکا اقتصاد این کشورها به کمک های خارجی، از نظر سیاسی نیز این کشورها را متکی به قدرتهای بزرگ جهانی و منطقوی ساخته است. به صورت طبیعی نیز کشورهای متکی که از نظر اقتصادی متکی باشند از نگاه سیاسی نیز مطمئن متکی هستند. از سوی دیگر، مشکلی که این کشورها دارند و برای آنها پرهزینه و دردسرساز است، مصرف وجوه کمکی از طریق موسسات، کشورهای کمک کننده و انجوها است. تجربه افغانستان نشان می دهد که این کشور بیش از یک دهه کمک های جهانی را جذب کرده است، اما این بدان معنا نیست که همه این کمک ها توسط دولت افغانستان به مصرف رسیده و این کشور مسئول پلان گذاری و مصرف کمک ها بوده است. بخش اعظم پولهایی که به افغانستان وارز شده، توسط کشورهای کمک کننده به پنهان بود ظریف در دولت افغانستان، و یا توسط سازمان ها و انجوها به مصرف رسیده است. بدین صورت پولی در خزانه دولت هایی که از کمک مستقیم می شوند، وارز نشده است.

موضوع دیگری که این کشورها را به هم پیوند داده، این است که کمک ها و توجه کشورهای توسعه یافته و کمک دهنده به کشورهای مانده و بحران زده و شکننده به صورت دایم نیست. کشورهای جهان در دوره کوتاه به این کشورها کمک می کنند و معمولاً نیز بعد از مدتی تحت تاثیر شرایط جهانی و بحران های جدیدی که به وقوع می پیوندد از حجم کمک و توجه شان می کاهند. لذا این کشورها با انبوهی از مشکلات از جمله وجود دولت های ضعیف، اقتصادی ناتوان و متکی به کمک های خارجی، مردمی بی اعتماد به دولتها، فساد اداری فراگیر، تهدید رو به افزایش امنیتی، و... باقی می ماند.

مورد دیگری که به نظر می رسد این کشورها در آن اشتراک دارند، همسایه های نسبتاً قدرتمند و متجاوز است. اغلب این کشورها در منطقه خود با همسایگانی قدرتمندتر از خود روبرو هستند که به این کشورها به عنوان حیاط خلوت خود می بینند و هیچگاه نمی خواهند تا امنیت و ثبات و توسعه در این کشورها حاکم شود. همسایگان و قدرت های منطقه ای در کنار بحران زده به بزرگترین چالش سیاسی و اقتصادی بدل شده است. قدرت های منطقه ای منافع خود را در بی ثباتی، وابسته و ضعیف بودن کشورهای بحران زده همسایه شان می بینند و با تقویت بحران راه رسیدن به ثبات و توسعه را برای کشورهای بحران زده دورتر و غیر قابل دسترس می سازند.

مهاجرت، بیکاری، فقر، فساد اداری، پایین بودن ظرفیت های انسانی و اقتصادی، قوی بودن و تشدید شکاف های قومی، مذهبی و زبانی، و... از مشترکات این کشورها هستند که آنان را به کشورهای شکننده و بحران زده بدل کرده است.

افغانستان در بسیاری از این تجربه ها با دیگر اعضای گروه «به اضافه هفت» شریک است. از اقتصادی ناتوان، حکومت های ضعیف، همسایگان قدرتمند و فرار گرفتن در معرض بی توجهی جهانی قرار گرفته است. افغانستان در قیاس با بعضی از این کشورها وضعیت سخت تری را دارد.

پیام واضح این کشورها برای جلب توجه کشورهای توسعه یافته و سازمان های جهانی، حکایت از وضعیت جدی آنها دارد. و برگزاری اجلاس این گروه در افغانستان می تواند توجه جهانی به وضع افغانستان را بیشتر کند. افغانستان می تواند، سیاست، برنامه و جایگاه خود را با استفاده از این اجلاس در سطح جهان مجدداً مطرح کند.

محاسبات روسیه برای آتش بس در سوریه

الیان گرش / شهپاز نخعی / قسمت دوم و پایانی



این امر، به تصدیق نماینده حزب در مسکو، موجب فشارهایی شده که حزب از پذیرش آنها سرباز می زند. ماه گذشته، یک دفتر «مدیریت مستقل» روزاوا، که توسط حزب در شمال سسوریه مستقر شده، در پایتخت روسیه گشایش یافته بر مشارکت کردهادر کنفرانس ژنو که در آغاز ماه مارس برگزار می شود اصرار می ورزد.

وختام روابط دو جانبه بین مسکو و آنکارا، پس از آن که ترکیه یک هواپیمای شکاری روسیه را در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵ ساقط کرد و از عذرخواهی به خاطر آن خودداری نمود، عاملی نگران کننده برای بی ثباتی است. درگیری به خاطر خصلت های رهبران دو کشور، ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان، که گاه به عنوان «تزار و سلطان» نامیده می شوند بالاگرفت. با این حال، در تمام دوران جنگ سرد، و حتی درسال های اولیه بحران سوریه، روابط دو جانبه بین دو کشور، به رغم اختلافات، حفظ شد. اکنون ناظر بالاگرفتن جدل لفظی آشکار بین روسیه و مسکو، پوتین تصمیمی به عین واردات از ترکیه اعمال کرده و قویا به هم میهنان خود توصیه نموده که به این کشور سفر نکنند. البته، استثناهایی وجود دارد. برآورد می شود که سرمایه گذاری های ترکیه در بخش ساختمان و زیر ساخت ها در روسیه، به ویژه برای تدارک جام جهانی ۲۰۱۸ حدود ۱۶ میلیارد دلار است. با این همه، رگبار ناسزاگویی از دوسو جریان دارد و نمی گذارد که شرایط مساعد برای هماهنگی در سوریه پدید آید.

«برنامه جایگزین» در فدای آتش بس، جان کری وزیر امور خارجه امریکا، گفت که اگر این آتش بس شکست بخورد، می باید یک جایگزین «برای آن در نظر گرفت ولی محتوا و حدود این برنامه را مشخص نکرد. این گفته در مسکو با سوء ظن روبرو شد و به تهدیدی غیرمستقیم برای بالاگرفتن بحران، شاید از راه کمک کارساز به «شورشیان» سوری، تعبیر گردید. با این حال، همه آگاهی دارند که اگر آتش بس و مذاکرات شکست بخورد، تشدید عملیات نظامی تنها راه حل جایگزین خواهد بود و مسکو می داند که، در این شرایط، روسیه در معرض این خطر خواهد بود که بهایی سنگین بپردازد.

در مورد «توطئه بیگانه» علیه یک «کشور لاتینک» و «عرب» خوشبینی برانگیز نیست. یکی از رهبران مهم یک حزب فلسطینی، مستقر در دمشق، که به مسکو سفر کرده، اذعان می کند که «دولت سوریه هرگز نخواسته مذاکره کند و همه گروه های مسلح را تروریست می داند و خواهان پیروزی مطلق است». با این حال، او تاکید می کند که پس از دیدارهایش با مقامات رسمی روسیه، دریافته که آنها نمی خواهند کشورشان در باتلاق سوریه گرفتار شود. «یک تمدید ۵ ماهه، باز ۵ ماه دیگر و مداخله بی پایان». جنگ افغانستان فراموش نشده و مسکو یادآوری می کند که هیچ نیروی زمینی آ به جبهه سوریه نفرستاده است.

«تزار و سلطان» به آنکه عربستان سعودی به آتش بس پیوسته و ایوبسیون سوریه را به آن کشانده، ترکیه در این مورد آشکارا اکره نشان می دهد. این کشور به ویژه خواهان آن است که حزب اتحاد دموکراتیک کرد (PYD) به عنوان یک سازمان تروریستی بیرون از دایره آتش بس شناسخته شود. این درحالی است که ترکیه در حال حاضر بمباران مواضع کردها در شمال سوریه را متوقف کرده است. حزب اتحاد دموکراتیک کرد (PYD)، به نوبه خود اعلام کرده که آتش بس را رعایت می کند. این حزب تنها نیرویی است که درعین حال از حمایت ایالات متحده و روسیه برخوردار است و

یادآوری می کند که دکتربین کشورش برپایه عدم مداخله قدرت های خارجی، از جمله روسیه، در امور کشورهای خلیج فارس است. فیودور لویکوف، سردبیر نشریه «روسیه درامور جهانی» توضیح روشن تری می دهد: «برای ما کنار رفتن اسد پذیرفتنی است، برای ایران چنین نیست». او به نوبه خود، برجسته ای اساسی از تصمیم مداخله روسیه تاکید می کند: «از بهار سال ۲۰۱۵، ما گزارش های هشدار دهنده ای از سوی سروسین های اطلاعاتی خود در مورد عزیمت داوطلبانه روس ها و اهالی آسیای مرکزی برای پیوستن به داعش دریافت می کردیم». شمار این افراد چندین هزارتن برآورد شده است. دبیمتری مدودف، نخست وزیر در اول اکتبر در تلویزیون «روسیه ۱» گفت: «ما می خواهیم مردم روسیه را در برابر تهدید تروریستی محافظت کنیم، زیرا بهتر این است که به جای داخل، با تروریسم در خارج از کشور مبارزه شود». این استدلالی است که بسیاری از رهبران غربی از ۱۵ سال پیش می کنند، اما واقعیت تا حدی زیاد آن را نفی می کند.

همه براین باورند که آینده آتش بس وابسته به کنشگران محلی است و دیگر زمان آن نیست که دو ابرقدرت بتوانند به جای متحدان خود تصمیم بگیرند. شرکت «بنیته شعبان»، مشاور آسیایی و رسانه ای بششار اسد در همایش و توضیح او

سخنان خود خطاب به دولت برای توضیح تعهد خود در سوریه تاکید کرد که: «ما به هیچ وجه قصد نداریم که به طور عمیق در درگیری مداخله کنیم (... مابرای مدتی محدود و تا زمانی که ارتش سوریه به تهاجم ضد تروریستی خود را دنبال می کند به حمایت از آن ادامه می دهیم».

ازسوی دیگر، مسکو نمی خواهد رشته های ارتباط خود با ایالات متحده و اتحادیه اروپا را قطع کند (تحریم های اعمال شده در پی بحران اوکراین بسیار سنگین است). روسیه این را نیز می داند که از سوی کشورهای بزرگ خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، که آن را به خاطر مداخله درین محکوم کرده، دچار انزوا شده و می کوشد راهی برای گفتگو با آن، به ویژه - ولی نه تنها - در مورد تثبیت بهای نفت بیابد. سفر آتی اعلام شده سلطان سلمان به مسکو و اعضای یک قرارداد خرید اسلحه روسی مرتب به تعویق می افتد.

بدگمانی نسبت به تهران در مورد ایران، اگرچه روابط روسیه با آن خوب است، اما یقیناً «راهبردی» نیست و در مسکو پرسش هایی در مورد نیت تهران مطرح می شود. همان طور که رئیس جمهوری حسن روحانی در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵، درحاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در برابر رسانه های آمریکایی می گفت: «در جنگ علیه تروریسم، ائتلافی بین ایران و روسیه وجود ندارد». یک روشنفکر ایرانی در همایش «والدای»

سردادن فریاد پیروزی در دستور کار مسکو نیست. بی گمان، ارتش سوریه موفقیت هایی داشته، اما اینها به بهای ویرانگری هایی گسترده بوده است. حتی با این فرض که فشار اسد بتواند سراسر کشور را باز پس گیرد - چیزی که احتمالش کم است، و روس ها از افتادن درجای آن سرباز می زنند -، هزینه های بازسازی، که صدها میلیارد دلار برآورد می شود، را چه کسی خواهد پرداخت؟ از اول اکتبر، پوتین در

کارتون روز

بدون شرح

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper